



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه قرآن و حدیث  
پردیس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش کلام و عقاید

## نقد و بررسی نظریه خروج امور غیر عبادی از قلمرو دین

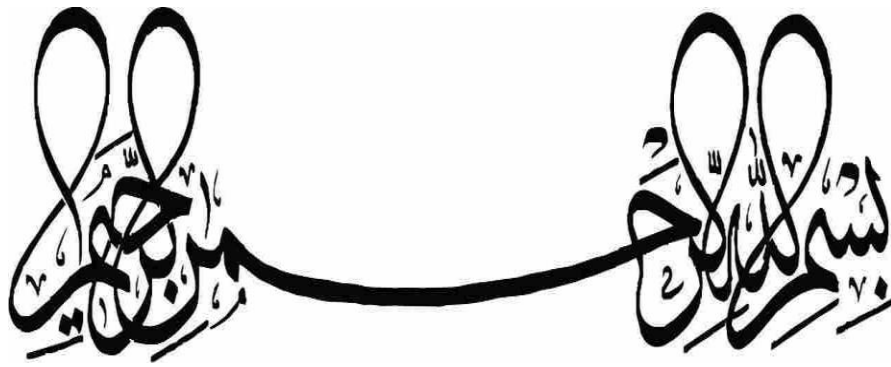
استاد راهنما :

جناب آقای دکتر موسی ملایری

دانشجو :

سید محمد نخلی

اسفند ۱۳۹۴



تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه علوم قرآن و حدیث است.

## تقدیم

این رساله را که حاصل تلاش دوره کارشناسی ارشد اینجانب در رشته علوم قرآن و حدیث، گرایش کلام و عقاید است و در ایام دهه مبارک فجر به سرانجام رسیده، به امام راحل و شهدای انقلاب اسلامی که با فداکاری‌های خویش، مسیر علم آموزی را بر ما هموار نمودند، تقدیم می‌نمایم.

## سپاسگزاری

با تشکر از پدر و مادر و همه اساتید و معلمانی که بر گردن اینجانب حق دارند، بالاخص جناب آقای دکتر ملایری که در انجام این رساله، مرا راهنمایی نمودند و همسرم که شرایط را برای تحقیق و مطالعه فراهم کرد.

## چکیده

مبحث قلمرو دین، یکی از مبانی بسیار مهم در فهم متون دینی است که اتخاذ هر گونه نظر در این مبحث، تأثیر بسزایی در نوع مواجهه ما با کتاب و سنت خواهد داشت.

در این رساله در پی پاسخ به این سؤال هستیم که اساساً قلمرو دین تا چه حد است و آیا امور غیرعبادی را باید خارج از قلمرو دین تلقی کرد یا خیر؟ همچنین به سؤالات جانبی دیگر از قبیل چگونگی پاسخگویی دین جاودانه به نیازهای متغیر و امکان یا عدم امکان تغییر احکام و قوانین شریعت پاسخ خواهیم داد.

برای این منظور، پس از تبیین دیدگاه سه تن از اندیشمندان، یعنی مهدی بازرگان، عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری، که هر یک بر خروج پاره‌ای از امور غیرعبادی از قلمرو دین تأکید دارند، قلمرو دین را به صورت صحیح تبیین خواهیم نمود. همچنین به دلیل اهمیت روش طرح بحث در نتایج حاصل از آن، در یک فصل مجزا به بررسی روش صحیح بررسی این موضوع می‌پردازیم و روش تلفیقی (درون‌دینی و برون‌دینی) را به عنوان روش صحیح انتخاب خواهیم کرد.

در نهایت نشان می‌دهیم که دخالت دین در مسائل دنیوی امری انکارناپذیر است، لیکن امکان تغییر این احکام تحت شرایط خاصی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: امور غیرعبادی، قلمرو دین، انتظار بشر از دین، تغییر احکام

## فهرست مطالب

### ۱-۱-۱ فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۱

#### ۱-۱-۱ کلیات ..... ۱

۱-۱-۱-۱ بیان مسأله ..... ۱

۱-۱-۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۱

۱-۱-۱-۳ سؤالات تحقیق ..... ۳

۱-۱-۱-۴ فرضیات تحقیق ..... ۳

۱-۱-۱-۵ پیشینه تحقیق ..... ۴

#### ۱-۲-۱ مفاهیم ..... ۷

۱-۲-۱-۱ امور غیرعبادی ..... ۷

۱-۲-۱-۲ دین ..... ۸

۱-۲-۱-۳ خروج امور غیرعبادی از قلمرو دین ..... ۱۱

۱-۲-۱-۴ انتظار ..... ۱۱

۱-۲-۱-۵ بشر ..... ۱۲

۱-۲-۱-۶ انتظار بشر از دین ..... ۱۲

#### ۱-۳-۱ نتیجه ..... ۱۳

#### ۱-۴-۱ دیدگاه مخالفان بحث انتظار بشر از دین ..... ۱۳

۱-۵. بررسی ادله مخالفان طرح بحث انتظار بشر از دین ..... ۱۵

## فصل دوم: روش بحث انتظار بشر از دین ..... ۱۹

۲-۱. مقدمه ..... ۱۹

۲-۲. روش درون دینی ..... ۲۱

۲-۳. روش برون دینی ..... ۲۴

۲-۴. روش تلفیقی (درون دینی و برون دینی) ..... ۲۹

۲-۵. جمع بندی ..... ۳۲

۲-۵-۱. حجیت متون دینی ..... ۳۳

۲-۵-۲. حجیت عقل ..... ۳۴

۲-۵-۳. تأثیر پیش فهم‌ها و انتظارات در فهم کتاب و سنت ..... ۳۸

۲-۶. نتیجه ..... ۴۰

۲-۶-۱. نقد روش درون دینی ..... ۴۰

۲-۶-۲. نقد روش برون دینی ..... ۴۰

## فصل سوم: نقد و بررسی نظریه خروج امور غیر عبادی از قلمرو دین ..... ۴۵

۳-۱. مقدمه ..... ۴۵

۳-۲. دیدگاه مهدی بازرگان ..... ۴۷

۳-۲-۱. تبیین دیدگاه ..... ۴۷



۴۹ ..... ۳-۲-۱-۱. دلایل اثباتی برون‌دینی

۵۰ ..... ۲-۲-۳-۳. دلایل درون‌دینی

۵۲ ..... ۳-۱-۲-۳. دلایل نقضی برون‌دینی

۵۶ ..... ۲-۲-۳. نقد و بررسی

۵۷ ..... ۱-۲-۲-۳. نقد و بررسی دلایل اثباتی برون‌دینی

۵۹ ..... ۲-۲-۲-۳. نقد و بررسی دلایل درون‌دینی

۶۰ ..... ۳-۲-۲-۳. نقد و بررسی دلایل نقضی برون‌دینی

### ۳-۳. دیدگاه عبدالکریم سروش ..... ۶۴

۶۴ ..... ۱-۳-۳. تبیین دیدگاه

۷۰ ..... ۲-۳-۳. نقد و بررسی

### ۴-۳. دیدگاه محمد مجتهد شبستری ..... ۷۴

۷۴ ..... ۱-۴-۳. تبیین دیدگاه

۷۷ ..... ۲-۴-۳. نقد و بررسی

۷۹ ..... ۱-۲-۴-۳. پیش‌فرض‌ها و مبانی پذیرفته شده نظریه

۸۰ ..... ۲-۲-۴-۳. موقعیت احکام امضایی

۸۰ ..... ۳-۲-۴-۳. مقایسه دیدگاه، با نظریات رقیب

نتایج و پیشنهادها ..... ۸۶

فهرست منابع ..... ۸۷

# فصل اول : کلیات

# فصل اول: کلیات و مفاهیم

## ۱-۱. کلیات

### ۱-۱-۱. بیان مسأله

در سالهای اخیر، در بحث قلمرو دین نظریاتی مطرح شده است که بخش‌هایی از امور غیرعبادی وارده در کتاب و سنت را خارج از قلمرو دین قلمداد می‌کند. عده‌ای از اندیشمندان معتقد به نظریات یاد شده، انتظار خود را از دین به نحو برون‌دینی طوری تبیین می‌کنند که مجال برای حضور دین در این عرصه باقی نمی‌ماند و عده‌ای دیگر به روش درون‌دینی، با بررسی آیات و روایات به این نتیجه می‌رسند که اساساً دین، وظیفه‌ای برای هدایت انسان‌ها در امور غیرعبادی ندارد. به گمان نگارنده، ادله و شواهد اقامه شده بر این دیدگاه‌ها قابل نقد بوده و در مواردی، وافی به مقصود نمی‌باشد. پرسش ما این است که وزن علمی این نظریات تا چه مقدار است و نتایج و آثار آن چیست؟

### ۱-۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

همان طور که می‌دانیم؛ خداوند ابزارهای مختلفی برای هدایت بشر قرار داده است. در یک تقسیم‌بندی کلی، این ابزارها به عقل، وحی، تجربه و کشف و شهود تقسیم می‌شوند. اما نکته مهم و اساسی برای استفاده صحیح از ابزارهای نامبرده، تشخیص قلمرو آن‌ها و مراجعه به آن‌ها در مواردی است که آن ابزار قابلیت هدایتگری دارد. به عبارت دیگر، هر چند عقل، وحی، تجربه و کشف و شهود، ابزارهای هدایتی هستند، لیکن هر یک در محدوده

مشخصی توانایی هدایت انسان را دارند و در همان محدوده قادر هستند مسیر صحیح را به او نشان دهند. از این رو اگر در مواردی که یک ابزار معرفتی، توان لازم را برای هدایت انسان ندارد به اشتباه به آن مراجعه کنیم، نه تنها مسیر صحیح را نمی‌یابیم بلکه ممکن است دچار انحراف هم بشویم. در این رساله با نقد و بررسی نظریاتی که پاره‌ای از امور غیرعبادی را خارج از قلمرو دین قلمداد می‌کند، روشن خواهیم نمود؛ دین اسلام که از طریق وحی بر حضرت محمد ﷺ نازل شده و به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای شناخت برای بشریت است تا چه حد می‌تواند در زندگانی دنیا و پس از مرگ، انسان را هدایت کند و به سعادت برساند. همچنین با دریافت پاسخ مناسب در این خصوص و در نظر داشتن آن به عنوان یک مبنای کلامی در استخراج احکام عملیه، فقها خواهند توانست احکام اسلامی را به گونه‌ای استنباط کنند و ارائه دهند که تا حد ممکن، تطابق بیشتری با شرایط متغیر زمانی و مکانی جوامع مختلف داشته باشد.

### ۳-۱-۱. سؤالات تحقیق

- ۱- روش صحیح تبیین قلمرو دین کدام است؟
- ۲- قلمرو دین تا چه حد است و آیا امور غیرعبادی خارج از قلمرو دین هستند؟
- ۳- دین جاودانه چگونه می‌تواند پاسخگوی نیازهای متغیر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف باشد؟
- ۴- آیا قوانین و احکام دین تغییرپذیر هستند؟ اگر تغییر احکام ممکن است، معیار و ملاک آن از چه طریقی کشف می‌شود؟

### ۴-۱-۱. فرضیات تحقیق

- ۱- در میان روش‌های درون‌دینی، برون‌دینی و تلفیقی برای تبیین قلمرو دین، روش صحیح، روش تلفیقی است. یعنی برای این منظور در بعضی موارد می‌توان از عقل و تجربه و در بعضی موارد از متن کتاب و سنت بهره جست.

- ۲- دین اسلام، دین خاتم و جاودانه است و اکمال دین اقتضا می‌کند پاسخگوی همه نیازهای دینی بشریت تا ابد باشد. دین اسلام، علاوه بر هدایت انسان‌ها در امر آخرت، در مواردی به مسائل دنیوی هم پرداخته و نباید این مسائل را خارج از قلمرو دین دانست.
- ۳- در برخی امور، بالاخص امور اجتماعی، روابط خانوادگی، قضاوت، معاملات و به عبارتی امور غیرعبادی، که در گذر زمان یا تغییر مکان، دچار تغییر و تحول می‌شوند و بالتبع، گاه نیازهای جدیدی برای انسان موضوعیت پیدا می‌کند، احکام و دستورات دینی ناظر به آن‌ها باید تغییر یابد تا بتواند پاسخگوی نیازهای مطرح شده باشد. تغییر احکام اینچنینی، تناقضی با جاودانه بودن دین الهی ندارد.
- ۴- برای تغییر حکم الهی، نیازمند دانستن ملاک آن حکم هستیم. کشف ملاکات احکام، گاه از طریق نص و گاه از طریق عقل برای انسان حاصل می‌شود. در کشف ملاکات احکام توسط عقل، اطمینان حاصل از عقل سلیم و فطری کفایت می‌کند و دستیابی به یقین منطقی ضرورتی ندارد.

#### ۵-۱-۱. پیشینه تحقیق

این موضوع در کتاب‌های کلام قدیم، با عنوان حسن بعثت انبیا و ضرورت بعثت انبیا مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفته و متکلمین با برشمردن فواید بعثت انبیا و بیان ضرورت آن، به نوعی اهداف پیامبران در هدایت انسان‌ها و قلمرو دین را تبیین می‌کردند. به عنوان مثال، خواجه طوسی، برای بعثت انبیا نه فایده ذکر می‌کند که به این ترتیب است:

۱. یاری و تأیید عقل، در احکام و مسایلی که عقل (خود نیز مستقلاً) بر آن دلالت دارد،  
 ۲. استفاده احکام و مسایلی که عقل (خود به طور مستقل) بر آن دلالت ندارد (و آموختن آن از پیامبران)،  
 ۳. برطرف ساختن ترس (از انسان نسبت به تصرفات و اقدام‌های خود که ناشی از احتمال عدم اذن خداوند است)،  
 ۴. استفاده (و دانستن و فهمیدن) این که چه کارهایی خوب و یا بد و چه چیزهایی (برای انسان) سودمند و یا زیانبار است،  
 ۵. حفظ نوع انسانی (در پرتو قوانین و سنن اجتماعی که پیامبران آن‌ها را وضع می‌کنند)،  
 ۶. به کمال رساندن افراد نوع انسانی به تناسب استعدادهای گوناگون آنان،  
 ۷. آموختن صنعت‌های غیر آشکار (که انسان‌ها از

آن بی‌اطلاع بوده‌اند)، ۸. آموختن اخلاق و سیاست، ۹. خبر دادن از کیفر و پاداش (برای کارهای بد و خوب انسان در جهان آخرت)»<sup>۱</sup>

همان طور که ملاحظه می‌شود، فوایدی که از بعثت انبیا ذکر شد، همگی بیانگر کارکرد دین و یا قلمرو دین است. به عبارت دیگر انتظاری که ایشان از دین دارد آن است که دین در موارد نه‌گانه بالا هدایت انسان را عهده‌دار شود و آدمی را به نقطه مطلوبی برساند.

همچنین در بیان ضرورت بعثت انبیا نیز متکلمین، به ترتیب ذیل قلمرو دین را مورد اشاره قرار می‌داده‌اند:

- خدای علیم و حکیم، آفریدگار انسان است و او را برای هدفی عالی خلق نموده است.
- انسان حقیقتی جاودانه است و برای تأمین سعادت خویش باید در صراط مستقیم حرکت کند و در صورتی که دچار خطا شود، به شقاوت ابدی گرفتار خواهد شد.
- چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، جز خداوند، به حقیقت انسان و ابعاد وجودی او و نیازهای واقعی او آگاهی ندارد.
- چون فقط خداوند از حقیقت و ابعاد وجودی و نیازهای او آگاه است، هیچ کس جز او نمی‌تواند انتظاراتش را برآورده سازد و اگر هم بخواهد چنین اقدامی انجام دهد ممکن است دچار خطا شود و موجبات سقوط و محرومیت انسان را فراهم سازد.
- چون شقاوت آدمی، با عنایت و حکمت خداوند سازگار نیست، خداوند خود باید برنامه هدایت انسان را تنظیم و از طریق انبیا در اختیارش قرار دهد تا با پیمودن آن مسیر، انسان بتواند به مقصد نهایی که لقاء الهی است نایل شود.<sup>۲</sup>

اما در کلام جدید و مخصوصاً طی سال‌های اخیر، این موضوع اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و تحت عنوان «انتظار بشر از دین» یا «قلمرو دین» مطرح گردید. تا پیش از سده هجدهم فیلسوفان و دانشمندان به این بسنده می‌کردند که نظریات متالهان، به ویژه براهین آن‌ها را در اثبات وجود خدا و دیگر مسائل اعتقادی سنجیده و بعضی را بپذیرند

۱. علامه حلی، *کشف المراد*، علی شیروانی، چاپ ششم، انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۹۲، ص ۲۳۰ تا ۲۳۷.

۲. جوادی آملی، *عبدالله، انتظار بشر از دین*، چاپ اول، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۰، ص ۳۵ و ۳۶

و پاره‌ای را اصلاح یا رد کنند، ولی در این مساله که جایگاه دین در زندگی انسان چیست چیزی نمی‌گفتند و حتی افرادی چون «ماکیاول»، «هابز» و «جان لاک» الحاد و بی‌دینی را محکوم می‌کردند، اما ناگهان در سده هجدهم بر خلاف گذشته به گمانه‌ورزی درباره دین و منشا دین زده و تلاش کردند تا برای آن منشا دنیوی بیابند و در رابطه با دین به عنوان نظامی از اعتقادات که جماعت‌ها صرف نظر از حقیقت آن و فقط به دلیل برآوردن یکی از نیازهای اساسی بشری به آن روی می‌آورند نظریات متفاوتی ارائه دهند.<sup>۱</sup>

حال منشأ این گمانه‌ورزی و نظریه‌پردازی، مشکل تعارض علم و دین و چگونگی حل آن بوده و یا اومانیزم و انسان‌محوری و ادعای استقلال انسان از خدا و آسمان و یا پیدایش هرمنوتیک و ارتباط آن با فهم متون دینی و به طور کلی رشد علمی و عقلی انسان، او را وادار کرده تا چنین نظریه‌هایی را در رابطه با دین ارائه دهد؛ به هر حال این مسأله از مسائلی است که از قرن هجدهم در چالش‌هایی که در ارتباط با دین پیدا شد مطرح گردید و باید برای حل آن مسئله تلاش کرد. این مطلبی بود که در مغرب زمین مطرح شد، اما از یک نظر می‌توان گفت ریشه این مساله به قبل از اسلام و به براهمه مربوط است، آنان که منکر نبوت بوده و به دلیل وجود شبهاتی برای آنان، بعثت پیامبران را از محالات عقلی می‌دانستند.<sup>۲</sup>

کتاب‌ها و مقالات متعددی با این عنوان از آیت الله جوادی آملی، عبدالحسین خسروپناه، عبدالله نصری، محمدمبین احمدی، آیت الله جعفر سبحانی، حسنعلی اکبریان و صاحب‌نظران دیگر منتشر شده است که البته برخی از آنان اصولاً طرح چنین موضوعی را ضروری و حتی جایز نمی‌دانند و معتقدند که باید صورت مسأله با عنوان «انتظار دین از بشر» مطرح شود. اندیشمندان دیگری از قبیل عبدالکریم سروش، محمد مجتهدشبه‌ستری و مهدی بازرگان نیز در کتاب‌ها و مقالات خود این موضوع را مطرح نموده و پاسخ‌هایی ارائه داده‌اند که مبنی بر خروج برخی امور غیرعبادی از قلمرو دین است. همچنین کتاب «ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن» از محمدعلی ایازی را می‌توان پاسخی در برابر سؤالات اصولی، که حول و حوش این موضوع مطرح می‌شود دانست.

آنچه این تحقیق را از موارد یادشده متمایز می‌کند، عدم بررسی موضوع تحقیق بطور خاص در کتب و مقالات یادشده و اشاراتی پراکنده به این مساله است. همچنین نگارنده بر این باور است که اولاً نظریات موافق با

۱. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص ۲۲ و ۲۳.

۲. همان، ص ۲۳.



خروج امور غیرعبادی از قلمرو دین، گاه به خوبی تبیین نشده‌اند و از این رو معنایی غیر از آنچه مد نظر صاحب نظریه بوده از آن فهمیده شده است و ثانیاً برخی از دلایل تقریر شده توسط موافقان و مخالفان نظریه مذکور، قوت کافی برای پاسخگویی به شبهات و اشکالات طرف مقابل را ندارد.

لذا در این رساله به دنبال آن هستیم که ضمن تبیین مناسب دیدگاه‌های موافق در این مسأله، روی نقاط چالش برانگیز آن تمرکز بیشتری داشته باشیم و برای قبول یا رد نظریات، دلایل موجود را اصلاح کرده و یا دلایل جدیدی ارائه نماییم.

## ۲-۱. مفاهیم

پیش از ورود به موضوع این رساله، لازم است ابتدا تعریف واژه‌ها، مفاهیم و سپس روش‌های مختلف بحث را مورد بررسی قرار دهیم. موضوع این رساله در مباحث کلام جدید، تحت موضوع کلان‌تری با عنوان «انتظار بشر از دین» مطرح می‌شود و در آنجاست که مشخص می‌گردد یکی از معانی انتظار بشر از دین، تبیین قلمرو دین است. از این رو علاوه بر توضیح واژه‌های عنوان این رساله، توضیحاتی در رابطه با عنوان «انتظار بشر از دین» نیز داده خواهد شد تا موقعیت مبحث قلمرو دین، در موضوعات کلامی بهتر مشخص شود.

### ۱-۲-۱. امور غیرعبادی

در رابطه با دسته‌بندی احکام کتاب و سنت، می‌توان کلیه احکام را به دو بخش احکام عبادی و توصلی تقسیم نمود. احکام عبادی، دستوراتی هستند که قصد قربت در آنها شرط شده است، در ادای آنها صرفاً نفع اخروی در نظر

است، از وحی و تأسیس شریعت ناشی شده است، تکرار و تصلب شکلی<sup>۱</sup> دارد، نفس انجام دادن عمل مورد نظر است؛ هرچند مصلحت خاص آن عمل مترتب نشود و مصلحت آن الزاماً ادراک شدنی نیست.<sup>۲</sup>

در مقابل احکام عبادی، احکام توصلی است که برخلاف احکام عبادی، نیازی به قصد قربت برای انجام عمل ندارد و در واقع غرض از امر به آن‌ها، انجام دادن عمل است و روح تسلیم و انقیاد در آن لحاظ نمی‌شود.<sup>۳</sup>

احکام توصلی خود به دو نوع تأسیسی و امضایی تقسیم می‌شوند. احکام تأسیسی اوامری است که پیش از اسلام در عرف مردم وجود نداشته و از ابداعات کتاب و سنت است، در حالی که احکام امضایی، در عرف مردم رایج بوده و با ظهور اسلام، مورد تأیید کتاب و سنت قرار گرفته است. احکام امضایی گاه توسط کتاب و سنت به طور کامل تأیید شده و گاه اصلاحات و تعدیلاتی در آن صورت گرفته است.

مراد ما از امور غیرعبادی، همان احکام توصلی است که به دلیل عدم نیاز به قصد قربت، در تقسیم‌بندی احکام، آن را از دایره امور عبادی خارج کرده‌ایم.

## ۲-۱-۲. دین

صاحب‌نظران و اندیشمندان، تعریف‌های مختلفی از دین ارائه داده‌اند. برخی از آن‌ها دین را به عنوان یک پدیده فرهنگی، بدون در نظر گرفتن دینی خاص و فارغ از اعتقاد و التزام مؤمنانه، با رویکردی فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، انسان‌شناختی و ... تعریف کرده‌اند.<sup>۴</sup> اما دین‌شناسان مسلمان، برخلاف دین‌شناسان غربی، غالباً با نگاه درون‌دینی به تعریف دین پرداخته‌اند.<sup>۵</sup>

---

۱. تکرار به این معناست که در چند نوبت، به صورت منظم باید تکرار شود؛ مانند نماز، روزه و ادعیه. تصلب شکلی یعنی به طور حتم باید با همان خصوصیات معین انجام شود و نمی‌توان بر اساس این رفتارها به رفتارهای مشابه فتوا داد یا در شکل انجام آن چون و چرا کرد.  
۲. ایازی، سید محمدعلی، ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۹، ص ۳۷۷ تا ۳۷۹.

۳. همان، ص ۳۸۰

۴. احمدی، محمد امین، انتظار بشر از دین، چاپ سوم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۶، ص ۱۹.

۵. ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر کلام جدید، چاپ پنجم، انتشارات مهاجر، قم، ۱۳۸۹، ص ۷۶.

از آنجا که ادیان مختلفی وجود دارد، برای دستیابی به تعریف دین بطور عام، باید از عناصر مشترک میان ادیان بهره گرفت. ولی اگر بخواهیم دین مشخصی مثل دین اسلام یا مسیحیت را تعریف کنیم، ذکر عنصر یا عناصر مشترک میان ادیان کافی نخواهد بود، بلکه باید ویژگی آن دین خاص را مد نظر قرار دهیم.<sup>۱</sup>

در اینجا باید به چند نکته حائز اهمیت در رابطه با تعریف‌های بدست آمده از دین اشاره گردد.

اولاً به نظر می‌رسد که تعریف دین، با دو مشکل اساسی مواجه است که این مشکلات تعریف دقیق دین را امری غیرممکن ساخته. مشکل اول که تعاریف عام دین با آن مواجه هستند آن است که اساساً غرض از تعریف دین، پاسخ به این سؤال است که «دین بودن دین، به چیست؟». همان طور که قبلاً نیز گفته شد پاسخ به این سؤال، در گرو یافتن ویژگی‌های مشترک میان ادیان است. اما مشکل اینجاست که برای یافتن ویژگی‌های مشترک میان ادیان، ما پیشاپیش خصوصیات ادیان مختلف را در نظر گرفته و بر اساس آن‌ها تعریفی از دین ارائه می‌دهیم و در نهایت با استفاده از آن تعریف که حاصل جمع آن خصوصیات است، افراد دیگر را از دایره مفهوم دین خارج می‌کنیم. لذا این پرسش در مورد افراد بیرون رانده شده می‌تواند مطرح شود که به چه مجوزی از دایره این مفهوم خارج گشته‌اند.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر پیش از ارائه تعریفی از دین، تعدادی از افراد را برای ورود در مفهوم دین قبول و تعدادی دیگر را رد کرده‌ایم. به عنوان مثال دورکیم در تعریف دین گفته است:

«دین نظام یکپارچه‌ای از اعتقادات و اعمال مرتبط با امور مقدس است، اموری که حرمت یافته و ممنوع شناخته می‌شوند، اعتقادات و اعمالی که افراد را در یک اجتماع اخلاقی با هم متحد می‌سازد.»<sup>۳</sup>

در تعریف فوق که یک تعریف جامعه‌شناختی از دین است، اعتقادات و اعمال با ویژگی‌های مورد اشاره، به عنوان عنصر مشترک میان ادیان، در تعریف دین به کار رفته است. حال ممکن است پدیده‌هایی در عالم یافت شود که این خصیصه در آن‌ها نباشد و این سؤال در مورد آن‌ها مطرح شود که به چه دلیل از دایره مفهوم دین خارج

---

۱. همان، ص ۶۹.

۲. احمدی، محمد امین، انتظار بشر از دین، ص ۲۲.

۳. ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر کلام جدید، ص ۳۴.

شده‌اند. البته در این مبحث، اساساً به تعاریف عام دین نیازی نداریم؛ چون الگوی دینی مورد بحث ما بطور خاص دین اسلام است نه ادیان دیگر. بنابراین اگر هم نیازی به تعریف دین باشد، باید سعی در ارائه تعریف کامل و صحیح از دین اسلام داشته باشیم.

اما مشکل دوم که تعاریف خاص از دین با آن روبرو هستند آن است که؛ ارائه تعریفی خاص از دین، مسبوق به اتخاذ نظری خاص در مورد حقیقت، قلمرو، زبان و ... دین است. از این رو اگر بخواهیم در بحث قلمرو دین، تعریفی از دین ارائه کنیم، دچار دور می‌شویم.<sup>۱</sup>

بنابراین با توجه به مشکلاتی که در تعریف دین، چه به صورت عام و چه به صورت خاص ایجاد می‌شود، بجای ارائه تعریفی از دین، مراد خود را از دین بیان می‌کنیم.

منظور ما از دین، مجموعه حقایق و ارزش‌هایی است که برای هدایت و سعادت انسان از طریق وحی یا الهام از جانب خداوند به حضرت محمد ﷺ و امامان دوازده‌گانه پس از ایشان نازل و بصورت متن‌های مکتوب، در مجموعه‌ای بنام کتاب و سنت جمع‌آوری شده و به دست ما رسیده است. این مجموعه شامل «هست و نیست‌ها» و «باید و نبایدها» است که خداوند جهت هدایت بشر نازل فرموده؛ خواه این معارف با ابزارهایی همچون عقل و تجربه تحصیل‌پذیر باشد یا نباشد. با توجه به پیش‌فرض این تحقیق مبنی بر اینکه همه ادیان، جز مذهب شیعه اثنی عشری، آمیخته با عقاید باطل هستند و دارای کارکردهای دین حق نیستند، در این رساله مراد خود را از دین اینگونه بیان نمودیم تا حداکثر قلمرویی که برای دین می‌توان تصور نمود مشخص گردد.

بنا بر این ادعا، افرادی که این تعالیم بر آن‌ها نازل می‌شود، بدلیل ارتباط و اتصالشان به حقیقت متعال، آن دسته از تعالیم و کردارشان که به منظور تعالیم دینی انجام می‌شود، حجیت، قدسیت و مرجعیت دارد.<sup>۲</sup>

---

۱. احمدی، محمد امین، انتظار بشر از دین، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۷.